

## آیت‌الله بروجردی؛ آیت‌الخلاص

(۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ ق) (۱۲۵۳ - ۱۳۴۰ ش)

رحیم ابوالحسنی

### مقدمه

تقریب و هماهنگی از مهم‌ترین موضوعات مورد نیاز جوامع اسلامی در عصر حساس کنونی است؛ عصری که تمام قوای کفر، دست به دست هم به رویارویی مستقیم با اسلام برخاسته‌اند. همه مسلمانان باید به این نکته توجه داشته باشند که یگانه راه غلبه بر جبهه استکبار و استعمار، وحدت مسلمانان جهان با همه تنوع‌های اقلیمی، نژادی و مذهبی و مبارزه با تفکر سکولاریسم و جدایی دین از سیاست است. در طول تاریخ، دانشمندان اسلامی (اعم از شیعه و سنی) بیشترین مبارزه را با این تفکر سکولاریسمی داشته و زیباترین تلاش‌ها را در راه وحدت مسلمانان جهان انجام داده‌اند. نوشته‌ای که پیش‌روی شما است، شرح‌حال دو تن از عالمان سرشناس اسلام یعنی آیت‌الله العظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت است. معرفی این دو شخصیت بزرگ که به طور مشترک در راه وحدت بین مذاهب اسلامی گام‌های مؤثر و چشمگیری برداشته‌اند، ضرورت و لزوم حفظ وحدت امت اسلامی را بیشتر نمایان می‌سازد.

### تبارشناسی آیت‌الله بروجردی

وی از سادات «طباطبایی» شهر بروجرد است و تبارش با سی واسطه درخشان به امام حسن مجتبی علیه السلام منتهی می‌شود. در سلسله تبار پدری و مادری آیت‌الله بروجردی، شخصیت‌های سرشناس دینی به چشم می‌خورند که در چند قرن اخیر، همواره مرجعیت و رهبری جهان تشیع را بر دوش داشته‌اند. جد پنجم وی، آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی بروجردی از مجتهدان بزرگ نجف و دارای تألیفات بوده است و از طرفی همشیره‌زاده علامه مجلسی اول شمرده می‌شود. همچنین علامه بحرالعلوم سیدمحمد مهدی طباطبایی، عموی جد دوم او است که از فقیهان بزرگ و از شاگردان برجسته وحید بهبهانی به شمار می‌آید؛ چنان که برادر علامه بحرالعلوم یعنی آیت‌الله

سیدجواد طباطبایی، جد سوم او است، و پسرش میرزا علی نقی طباطبایی جد دوم و پسرش حاج میرزا احمد طباطبایی جد اول آیت الله بروجردی هستند که همه از مجتهدان بارز به شمار می‌روند. (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آیت الله بروجردی، ۱۳۷۱ ش، صفحات نخستین).

## تولد و آغاز راه

آیت الله سیدحسین بروجردی، ماه صفر سال ۱۲۹۲ قمری در بروجرد چشم به جهان گشود. پدرش حاج سیدعلی طباطبایی، مردی دانشمند بود و در پرورش علمی سیدحسین سهم بسزایی داشت. وی با رهنمودهای پدرش به مکتبخانه رفت و در آغاز تحصیل، کتاب‌های گلستان سعدی، جامع المقدمات<sup>۱</sup>، سیوطی<sup>۲</sup> و منطق<sup>۳</sup> را فرا گرفت؛ سپس برای ادامه تحصیل وارد مدرسه «نوربخش» در این شهر شد و پس از تکمیل دروس مقدماتی، به فراگیری فقه و اصول اشتغال یافت و در تمام این مدت، تهذیب نفس و فضایل اخلاقی را سرلوحه زندگی‌اش قرار داده بود تا این که به حد کمال و بالندگی لازم رسید (گلشن ابرار، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۶۶۲).

## هجرت به اصفهان

سیدحسین در سال ۱۳۱۰ قمری در هجده سالگی وارد حوزه علمیه اصفهان شد و در مدرسه صدر این شهر سکونت گزید. در این ایام، حوزه اصفهان رونق چشمگیری داشت و سیدحسین از این فرصت استفاده خوبی کرد و به مدت چهار سال در محضر استادان بزرگ مانند میرزا ابوالمعالی کلباسی، سیدمحمدتقی مدرس، سیدمحمدباقر درچه‌ای، جهانگیر خان قشقایی و ملامحمد کاشانی به تکمیل اندوخته‌های علمی همت گمارد (مجله حوزه، ش ۵۳، ص ۵۲ و ۵۷). یک روز که مثل همیشه سرگرم درس و تحقیق بود، نامه‌ای از پدر به دستش رسید که او را به بروجرد فرا خوانده بود. سیدحسین به ناچار راهی وطن شد و آن جا دریافت که هدف از احضار وی به بروجرد این است که مقدمات ازدواج او فراهم شده و تشکیل خانواده دهد. او نخست از بیم آن که ازدواج مانع ادامه تحصیل شود، از این امر امتناع ورزید؛ اما پس از مشاوره با پدر و اصرار او، با این امر موافقت کرد. وی بعد از توقیف کوتاه در بروجرد این بار همراه خانواده به حوزه اصفهان بازگشت و مدت پنج سال به

۱. این کتاب برای طلاب سال اول تدریس می‌شده است.

۲. کتاب سیوطی از جمله کتاب‌های مهم حوزوی و موضوع آن صرف و نحو عربی است. هم‌اکنون این کتاب در حوزه‌های شیعی و سنی به صورت مشترک خوانده می‌شود و برای طلاب سال دوم تدریس می‌شود.

۳. موضوع منطق نیز برای طلاب سال دوم تدریس می‌شود و در گذشته کتاب‌های شرح شمسیه و حاشیه ملاعبدالله، جزء کتاب‌های درسی در این موضوع بوده‌اند؛ اما هم‌اکنون کتاب المنطق تألیف آیت الله مظفر در حوزه‌های شیعی تدریس می‌شود.

تحصیل و تحقیق خود در این شهر ادامه داد که مجموعاً در مدت اقامت نه ساله‌اش در اصفهان، به مرتبه قابل توجه علمی رسید (دوانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۹۵).

## آهنگ نجف اشرف

حاج آقا حسین در سال ۱۳۱۹ قمری نخست از اصفهان به وطن بازگشت؛ سپس بنا به سفارش پدر، عازم نجف اشرف شد. اقامت تحصیلی او در نجف اشرف حدود نه سال طول کشید و در این مدت از محضر بزرگانی چون آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم یزدی و شیخ‌الشریعه اصفهانی، علوم عالی فقه، اصول و رجال را آموخت. حضور محققانه او در دروس فقیهان نجف، شور و شوق و تحرک خاصی در آن حوزه ایجاد کرد؛ به طوری که تیزهوشی و سرعت انتقال وی، همه را به شگفتی واداشت و آوازه علمی او در اغلب محافل حوزه آن روز پیچید تا جایی که وی مورد عنایت و توجه استادش آخوند خراسانی قرار گرفت (مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۳۱۴). با آوازه بلندی که آیت‌الله بروجردی در نجف یافت، زمینه تشکیل کلاس‌های درس برای او فراهم آمد و کنار بهره علمی از بزرگان نجف، خود نیز کرسی تدریس به پا کرد و در آن زمان کتاب *فصول<sup>۱</sup>* را برای جمعی از فضلاء حوزه نجف تدریس کرد. تدریس *فصول آیت‌الله بروجردی* در نجف، تحقیق و امتیازات بارزی داشت. به گفته خود او، وی در تدریس اصول می‌کوشید همه اشکالات مؤلف را بر صاحب قوانین، پاسخ‌گوید (مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۳۱۵).

## بازگشت به وطن

آیت‌الله بروجردی پس از یک دهه اقامت در نجف اشرف و با تصمیم این که دوباره به نجف باز می‌گردد، در سال ۱۳۲۸ قمری برای دیدار والدین و صلّه ارحام، به زادگاه خود بازگشت و میان استقبال کم‌نظیر عالمان و مردم، وارد شهر بروجرد شد. هنوز شش ماه از ورود او به وطن نگذشته بود که پدر دانشمندش حاج سیدعلی طباطبایی را از دست داد و در غم او عزادار شد. وی اگرچه در نجف به استادش (آخوند خراسانی) قول بازگشت به حوزه نجف را داده بود تا در شکوفایی و بالندگی آن مرکز علمی نقش تاریخی ایفا کند، درگذشت پدر سرنوشت او را تغییر داد و او را در وطن ماندگار ساخت. چندی بعد در سال ۱۳۲۹ قمری داغ رحلت مرحوم آخوند خراسانی که پدر دوم او به شمار می‌آمد، اندوه او را دوچندان کرد و طاقتش را برید. وی بارها به دوستان خود می‌گفت:

«مرگ دو پدر به دنبال هم مرا به ستوه آورد و سخت منقلیم کرد (دوانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۰۱)».

۱. کتاب *فصول*، تألیف شیخ محمدحسین اصفهانی از جمله کتاب‌های درسی سطح عالی اصول فقه بود که پیش از تألیف *کفایه الاصول*، در حوزه‌های علمیه شیعه تدریس می‌شد و مطالب این کتاب بیشتر ناظر به نقد آرای میرزای قمی صاحب کتاب *قوانین الاصول* است.

به هر حال آیت‌الله بروجردی نتوانست به نجف بازگردد؛ از این رو این بار مدت اقامت او در بروجرد حدود سی سال به طول انجامید. وی در تمام این مدت به طور مستمر مشغول تألیف، تدریس و تعلیم شخصیت‌های بارز حوزوی شد. اغلب آثار مکتوب او حاصل این دوره از اقامت وی در بروجرد است. وجود پر برکت او در بروجرد باعث شد تا تشنگان علم و معرفت از شهرهایی چون قم، کاشان، اصفهان و اهواز به سوی او بیایند و می‌رفت تا این شهر را مرکز دانش قرار دهد. افزون بر این، وی در این شهر مرجع دینی و اجتماعی مردم بود. ظهرها در مسجد «ناسک الدین» و هنگام مغرب در مسجد «حاج آقا مهدی» به اقامه جماعت می‌پرداخت و در اواخر نیز مدتی این فریضه الهی را در مسجد «شاه» اقامه می‌کرد و کنار این‌ها به مشکلات دینی و اجتماعی مردم می‌رسید (دوانی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲ و ۱۰۳).

### مسافرت‌های دیگر او

آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۴ قمری از راه عتبات عالیات به زیارت خانه خدا مشرف شد و پس از اتمام مناسک حج در اوایل ۱۳۴۵ قمری از مکه معظمه به کاظمین و سامرا آمد و مرقد امامان مدفون در این دو شهر را زیارت کرد؛ سپس از راه بصره وارد ایران شد. این ایام مصادف بود با مبارزات حاج آقا نورالله و آقاجفی از عالمان اصفهان که ضد رضاخان شوریده بودند که آیت‌الله بروجردی در همین ایام دستگیر و به تهران منتقل شد و مورد بازجویی مأموران قرار گرفت. در تهران رضاخان به دیدارش شتافت و هدفش از این دیدار آن بود که پای سید عبدالکریم حائری را در نظر آیت‌الله بروجردی سست کند و این دو را در مقابل یک‌دیگر قرار دهد، و دلیل ملاطفت و مهربانی رضاخان با سیدحسین نیز همین امر بوده است. به هر حال، وی حدود صد روز در تهران بازداشت بود و پس از رفع محدودیت، به قصد زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) عازم مشهد شد. پس از سیزده ماه اقامت در جوار امام هشتم، به قم آمد و پس از اقامتی کوتاه در قم، به وطن بازگشت و با استقبال پر شور مردم بروجرد روبه‌رو شد و تا ۱۳۶۳ قمری آن‌جا حضوری نافذ یافت (دوانی، ۱۳۷۲، ش، ص ۱۰۴؛ مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۳۳۳-۳۳۷).

### پذیرش مرجعیت

آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۶۴ قمری به علت بیماری، به تهران منتقل شد و در بیمارستان فیروزآبادی در دو مرحله مورد عمل جراحی قرار گرفت. سیل عالمان از قم، تهران و شهرهای دیگر به عیادت وی شتافتند. در این هنگام چند نفر از فقیهان سرشناس حوزه علمیه قم که در رأس آنان حاج آقا روح‌الله خمینی قرار داشت، از این فرصت بهره گرفتند و از آیت‌الله بروجردی جهت اقامت در

قم و قبول مرجعیت جهان تشیع و رهبری و مدیریت حوزه علمیه قم دعوت کردند (محمد واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق/ ۱۳۷۹ ش، ص ۵۳).

این موضوع پس از اصرار جمع حاضر، سرانجام مورد قبول واقع شد و آیت‌الله بروجردی در تاریخ ۲۶ صفر ۱۳۶۴ قمری میان استقبال بی‌نظیر مراجع، عالمان و مردم قم وارد این شهر مقدس شد. پس از استقرار کامل و با همکاری کامل عالمان و مراجع، تدریس فقه و اصول را آغاز کرد و اغلب فضلا و مدرسان سرشناس از جمله حاج آقا روح‌الله خمینی و سیدمحمد محقق داماد و حاج آقا مرتضی حائری در درس وی حضوری پر نشاط داشتند (علی‌آبادی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۴؛ مجله حوزه، ش ۲۳ و ۲۴). همچنین آیت‌الله سیدصدرالدین صدر که خود از مراجع تقلید بود و در صحن بزرگ حرم اقامه جماعت می‌کرد، جایگاه نماز خود را به آیت‌الله بروجردی وا گذاشت و به احترام او برنامه جماعت خود را تعطیل کرد. مرحوم آیت‌الله سیدمحمد حجت یکی دیگر از مراجع وقت بود که پایگاه تدریس خویش را در اختیار وی قرار داد. مرحوم آیت‌الله سیدمحمد تقی خوانساری هم که از فقیهان بنام قم و نجف شمرده می‌شد، برای احترام در درس او شرکت جست و همه امور روز به روز بر تقویت بنیه رهبری و مرجعیت آیت‌الله بروجردی افزود (دوانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۱۹ و ۱۲۰).

افزون بر این‌ها در سال ۱۳۶۵ قمری آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی از مراجع بزرگ تقلید در نجف اشرف بدرود حیات گفت؛ از این‌رو عالمان نجف و مقلدان مرحوم اصفهانی و به دنبال آن شیعیان سرتاسر جهان به آیت‌الله بروجردی روی آوردند و در مدت اندکی مرجعیت علی‌الاطلاق وی به مرحله ظهور رسید. مدیریت واحد و رهبری قاطع آیت‌الله بروجردی که حدود شانزده سال و تا ۱۳۸۰ قمری ادامه داشت، تحولات بزرگی را از نظر سیاسی و اجتماعی به بار آورد و در همین جهت ساختار مدیریتی حوزه علمیه قم دچار تحول شد و وحدت و انسجام چشمگیری میان حوزه، روحانیان و قشرهای گوناگون مردم پدید آمد (اباذری، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۶ و ۲۷).

## نوآوری در استنباط احکام أ. نوآوری در فقه

روش اجتهادی آیت‌الله بروجردی، دگرگونی شگفتی در طریق استنباط احکام در حوزه‌های علمیه قم و نجف پدید آورد. شیوه بیشتر فقیهان بزرگ در استنباط احکام، فقط مراجعه به کتاب‌های احادیث مربوطه است؛ اما وقتی آیت‌الله بروجردی به عرصه فقهت گام نهاد، به‌طور دقیق، سیر احوال قدما و متأخرین را بررسی کرد و موضوع مراجعه به کتاب‌های قدما را به صورت اصل که از آن به «اصول متعلقات» تعبیر می‌کرد، پی گرفت. وی در استنباط هر فرع فقهی، اگر به حدیثی برمی‌خورد، به زمان صدور آن از نظر وجود فقیهان اهل سنت و آرای آنان به‌ویژه در مدینه و نیز در شهرهایی که

سؤال‌کنندگان در آن دیار سکونت داشتند یا در تماس بودند و هم از نظر برداشتی که خود اصحاب و سؤال‌کنندگان از آن فرع فقهی داشتند و همان برداشت، سبب سؤال از امام می‌شد، توجه خاصی داشته است. بدیهی است تسلط و احاطه آیت‌الله بروجردی بر نکات ریز و درشت تاریخی، کمک شایانی به ارائه هر چه بهتر این شیوه از استنباط احکام می‌کرده است (مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، با اقتباس از مقاله سیدجواد علوی).

### ب. شیوه اصولی

اشراف‌کم‌نظیر آیت‌الله بروجردی بر مسائل علم اصول باعث پیشرفت‌هایی در این علم شده است. وی در مفهوم «إجماع» مبنای خاصی اختیار کرده بود. در بحث «إنسداد» نیز بر خلاف فقیهان مشهور که آن را دلیل بر حجیت مطلق ظن می‌دانند، وی با بیان خاصی، آن را دلیل بر حجیت خیر واحد نیز می‌دانست. همچنین بحث این‌که موضوع علم اصول «حجت» است یا «ادله اربعه»، از ابتکارهای او به شمار می‌آید (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۲۸، به نقل از آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی).

### ج. ابتکار در علم رجال

یکی از رشته‌های علوم اسلامی در حوزه‌های علمیه که از ارکان مهم استنباط تلقی می‌شود «علم رجال»<sup>۱</sup> است. آیت‌الله بروجردی در این رشته نبوغ عجیبی داشت و به اصطلاح، راویان احادیث را با انگشتان دستش می‌شمرد (علی‌آبادی، ۱۳۷۹ ش، ص ۸۳، به نقل از آیت‌الله میرزاحسین نوری همدانی). وی در اثر این اشراف و تبحر توانست در این رشته ابتکار و نوآوری بدیعی از خود به یادگار گذارد. او در یک اقدام کم‌نظیر، سندهای روایات مورد نظر را از متن جدا کرد و مورد دقت و بازبینی تخصصی قرار داد که توضیح درباره جزئیات آن از حوصله این مقاله و مخاطبان آن خارج است؛ اما نمی‌توان از کاری که وی در طبقه‌بندی راویان حدیث انجام داد، صرف نظر کرد و پیامدهای مفید آن را ساده گرفت. وی در این تلاش ارزشمند محدثان صدر اسلام، دوره امامان، ایام غیبت صغرا و غیبت کبرا را از هم تفکیک کرد و همه راویان را در یک چارچوب و ساختار نو گنجانید و طبقات هر دوره را معین و این طبقه‌بندی را به دوره معاصر رسانید و خودش در این ابتکار، در طبقه سی و ششم قرار گرفت. این تلاش بدیع، فواید و آثار بسیار ارزشمندی در اختیار محافل تحقیقاتی و رجال‌شناسان گذاشت (علی‌آبادی، ۱۳۷۹ ش، ص ۸۶؛ دوانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۶۰، با اقتباس).

۱. هدف از علم رجال، شناسایی راویان حدیث و بررسی وثاقت یا عدم وثاقت آنها است تا از این رهگذر درستی و نادرستی احادیث صادره از آنان روشن شود؛ از این‌رو علم رجال بسیار ارزشمند و در استنباط احکام تأثیر بسزایی دارد.

## زمینه‌های تفکرات تقریبی

شیوه‌های نو و راهبردی آیت‌الله بروجردی در استنباط احکام، زمینه تحقیقات گسترده‌ای در فقه اهل سنت را نیز فراهم کرد و اذعان داشت که با آگاهی از محتوای روایات و فتاوی رایج اهل سنت در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام، بهتر و راحت‌تر می‌شود محتوای احادیث و منظور سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام را دریافت و جمله معروفی از وی نقل شده که می‌فرمود: «فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش، ص ۸۴)؛ زیرا چون شیعیان در طول تاریخ حکومت نداشتند و اغلب حکومت در دست بنی‌عباس بود و بیشتر فتاوی اهل سنت میان مردم رواج داشت، محدثان و اصحاب امامان نیز با توجه به فضای حاکم بر جامعه آن روز، از امامان سؤال می‌کردند و امامان هم با توجه به همین معنا پاسخ می‌دادند. به عبارت دیگر، فقه شیعه ناظر بر فقه اهل سنت بود؛ چرا که پاسخ‌ها و سخنان امامان علیهم‌السلام ناظر بر فتاوی حاکم بوده است؛ از این رو آیت‌الله بروجردی، تحقیق و مطالعه کتاب‌های اهل سنت را از مقدمات لازم برای فهم فقه و اجتهاد می‌دانست. بدین‌سان اهتمام او به این موضوع، سبب اشراف و آگاهی‌های چشمگیر او از فتاوی رهبران مذاهب چهارگانه (شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی) شد و به آرای صحابه و اندیشه‌وران بزرگ اهل سنت مانند لیث، ثوری، اوزاعی، ظاهری و دیگران نیز به طور کامل تسلط و اطلاع یافت. گاهی این اطلاع چندان عمیق و قوی بود که وقتی برخی از شخصیت‌های اهل سنت به حضورش می‌رسیدند و از نزدیک این حقیقت را مشاهده می‌کردند، متعجب می‌شدند (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۲۷، به نقل از آیت‌الله صافی گلپایگانی).

آیت‌الله بروجردی هرگز به نظریات و آرای اهل سنت، با دید منفی نمی‌نگریست؛ بلکه بیشتر سعی داشت تا به ادله آن‌ها دست یابد و موضوع را به‌طور صحیح ریشه‌یابی کند؛ برای مثال در وجوب ادای نماز در اول وقت که اغلب اهل سنت ملتزم به آن هستند و تأخیر نماز را از اول وقت، بدون عذر جایز نمی‌دانند،<sup>۱</sup> می‌فرمود: «فتاوی اهل سنت از این‌جا نشأت گرفته که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام جماعت بود و امام جماعت باید در وقت معین حضور یابد و پیغمبر، اول وقت را انتخاب کرده بود و صحابه و تابعین نیز عمل پیامبر را ملاک قرار داده بودند که بعداً در مذاهب اهل سنت منعکس گردید؛ در حالی که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گاهی در حال اختیار، اول وقت را رعایت نمی‌کرد و اهل بیت هم بدان تصریح کردند و همین امر ملاک فتاوی معروف شیعه قرار گرفته است (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش، ص ۸۸)».

وی با این توجیه، این پندار را که اهل سنت به عمد احکام را تغییر داده‌اند، نادرست می‌دانست و رد می‌کرد.

۱. البته برخی از عالمان شیعه مانند شیخ مفید و شاگردش شیخ طوسی نیز تأخیر را جایز نمی‌دانند.

## وحدت اسلامی

اعتقاد آیت‌الله بروجردی بر این بود که سامان بخشیدن به موضوع «وحدت میان مذاهب» از وظایف حیاتی هر عالم شیعی است و باید در تحقق آن کوشید. حتی معروف است که در روزهای آخر عمر پر برکت خویش، گاهی به حالت اغما فرو می‌رفت و چون از آن حال خارج می‌شد، درباره این موضوع می‌پرسید: «آقای شیخ محمدتقی به مصر رفت یا خیر؟» (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۷۱ و ۲۳۳)».

آقای شیخ محمدتقی قمی نماینده او در جامع الازهر و مجمع تقریب در مصر بود و در آن ایام چند روزی به ایران آمده و در قم به سر می‌برد.

آیت‌الله شهید مرتضی مطهری در مقاله‌ای تحت عنوان «مزایا و خدمات آیت‌الله بروجردی» چنین می‌نویسد: «یکی از مزایای معظم‌له توجه و علاقه فراوانی بود که به مسأله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می‌کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند و هم توجه داشت که دوری شیعه از سایر فرقه‌ها سبب شده است که آن‌ها شیعه را شناسند و در باره آن‌ها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات بسیار علاقه‌مند بود که حسن تفاهم بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است، تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن‌طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند، معرفی شود (مطهری، شش مقاله، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۶۰؛ مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۰۴)».

چند سال پیش از آن‌که وی به زعامت و مرجعیت مطلق برسد، وقتی به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعی «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه» تأسیس شد، با تمام وجود از آن حمایت کرد و بعد که از بروجرد به قم آمد و مرجعیت را به دست گرفت، تا حد ممکن با این فکر همکاری کرد. جالب است که برای نخستین بار بعد از چندین سال، بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت، روابط دوستانه برقرار، و نامه‌ها مبادله شد. به گفته شهید مطهری، مرحوم بروجردی عاشق و دلباخته وحدت اسلامی بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می‌زد. عجیب این است که در حادثه قلبی اول که بر او عارض شد و مدتی بیهوش بود و بعد به هوش آمد، قبل از آن‌که توجهی به حال خود بکند و در این موضوع حرفی بزند، موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می‌کند و می‌گوید: «من آرزوها در این زمینه داشتم (مطهری، شش مقاله، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۶۰؛ مطهری، تکامل اجتماعی انسان، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۰۴)».



## حمایت از دارالتقريب اسلامی

در سال ۱۳۲۷ شمسی برابر با حدود ۱۳۶۸ قمری، مرکز «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» به ابتکار اندیشه‌ور توانا مرحوم شيخ محمدتقی قمی و با هم‌یاری عالمان سرشناس جامع‌الازهر و برخی روحانیان شیعی تأسیس شد. آیت‌الله بروجردی اگرچه جزو مؤسسان آن نبود، از ابتدای فعالیت این مرکز به حمایت جدی از آن برخاست و حتی از کمک مالی به آن دریغ نورزید. افزون بر ارتباط مکاتبه‌ای با شيخ الازهر، عبدالمجید سلیم و بعد از او با شيخ محمود شلتوت، رابطه جهان‌تشیع را با دنیای اسلام هر چه مستحکم‌تر ساخت و بسیاری از سوء تفاهم‌ها و بدبینی‌ها را به دوستی و محبت تبدیل کرد (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش، ص ۳۶۹ و ۳۷۰).

در اثر این درایت و حسن تدبیر، کار به جایی رسید که شيخ محمود شلتوت، آن فتوای تاریخی خود را صادر کرد<sup>۱</sup> و برای نخستین‌بار یک عالم سنی به‌طور رسمی مذهب شیعه را به رسمیت شناخت و برای آن در دانشگاه الازهر مصر، کرسی تدریس تشکیل داد (مطهری، شش مقاله، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۶۱؛ احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۵۹، به نقل از آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی). برای آگاهی از عمق این روابط و نقش مثبت و کارساز آیت‌الله بروجردی، متن دو نامه تاریخی که یکی از شيخ عبدالمجید سلیم و دیگری از شيخ محمود شلتوت است، از نظر می‌گذرد.

نامه اول از شيخ عبدالمجید سلیم:

«بسم الله الرحمن الرحيم، خدمت آیت‌الله السید الجلیل حاج آقا حسین بروجردی حفظه الله سلام عليكم و رحمته؛ اما بعد: استاد محترم، حضرت شيخ محمدتقی قمی دبیر کل دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه پیام شفاهی آن جناب را که دستور داده بودید به من برسانند، ابلاغ نمودند. شما اظهار لطف نموده و به ایشان از تقدیر و تشکر خود در باره کوشش‌هایی که ما و جماعت تقرب بين المذاهب اسلامی در راه خدمت به اسلام و مسلمین می‌کنیم و از تأثیر این کوشش‌ها در راه وحدت کلمه مسلمین و ایجاد تفاهم بیشتر و هماهنگی بهتر و اصلاح فسادى که مغرضین به وجود آورده‌اند، سخن گفته‌اید. خدا می‌داند که این امر، بهترین و عزیزترین آرزوهای من در زندگی است و تا زنده‌ام به خاطر آن و در راه آن کار می‌کنم. از اعتماد حضرت‌عالی نسبت به شخص من و از این عطف توجه به کوشش‌هایم تشکر می‌کنم. من با آنچه که از شما می‌دانم و سراغ دارم، همکاری شما را در این جهاد بزرگ خدایی بسیار بزرگ می‌شمارم؛ زیرا شما با علم و دانش و مقام و نفوذی که در ایران و غیر ایران دارید، همیشه در راه اصلاح امر امت اسلام کار می‌کنید. فکر تقرب بين مذاهب اسلامی، از توجه و عنایت شما بسیار بهره‌مند بوده و از کمک‌ها و مساعدت‌های پر ارزش شما در مناسبات

۱. فتوای شيخ محمود شلتوت جواز عمل به فقه شیعه بود؛ در حالی که پیش از این، آنان شیعه را یک فرقه گمراه می‌دانستند و به هیچ وجه اجازه عمل به فقه شیعه را نمی‌دادند.

مختلف برخوردار بوده است. نخستین وظیفه‌ای که به عهده ما علمای اسلامی است، خواه شیعه باشیم یا سنی، این است که از اذهان و افکار مردم، این مطلب را پاک کنیم و حقایق روشن اسلام و اصول محکم شریعت را طوری نشر دهیم که مردم را با حقیقت و هدایت خداوند بیدار و بینا سازیم. دیگر این که اخیراً از فوت عالم جلیل مرحوم سید محسن امین عاملی با خبر شدم. من وقتی از علم و اخلاص و جهاد او در راه این دین و ملت، مطالبی شنیدم از خبر وفات آن مرحوم سخت متأسف شدم. اکنون خالص‌ترین تسلیت‌های خود را به حضور جناب عالی و به همه برادران شیعه امامیه اعلام می‌دارم و از خدای بزرگ می‌خواهم که فقید محترم را غریق رحمت نماید و به ما و شما در این مصیبت اجر و ثواب صابرین عطا فرماید. والسلام علیکم. جمادی الثانی ۱۳۷۱ ق (اباذری، ۱۳۸۳ ش، ص ۶۸)»

نامه دوم از شیخ محمود شلتوت:

«بسم الله الرحمن الرحيم، سلام علیکم و رحمه الله، اما بعد: قبل از همه چیز، از سلامت گرانبه‌ای آن برادر ارجمند جويا بوده و دعا می‌کنم که آن بزرگوار همیشه مصدر و منبع برکات برای مسلمین و وحدت کلمه آنان باشد. فرصتی را که با مسافرت برادر علامه و مکرم من استاد قمی، ایدالله فی جهاده المشکور، پیش آمد مغتنم می‌شمارم تا نامه‌ای به ساحت آن جناب نوشته و از کوشش‌های شما تقدیر کنم. من به شما مژده می‌دهم که گام‌ها و قدم‌های ما در راه تقرب، قدم‌هایی است که یقین دارم شما با تمام قوا آن را تأیید می‌فرمایید. گروه برگزیده‌ای از رجال الازهر و برادرانی که در تقرب صمیمانه جهاد کرده‌اند، از روی ایمان و یقین، ما را کمک و یاری می‌کنند و به آنچه که برای دین و رسالت جهانی و انسانی که بدان گردن نهاده‌اند و بر آنان واجب شده، قیام و اقدام می‌کنند. امیدوارم از آرزوها و آرمان‌های مشترک خود مطلع گردیم. والسلام علیکم. ذیقعدہ ۱۳۷۹ (اباذری، ۱۳۸۳ ش، ص ۷۲)»

همان‌گونه که از متن نامه‌ها استفاده می‌شود، رهبران مذهبی اهل سنت، به ویژه رؤسای دانشگاه الازهر، برای شخص آیت‌الله بروجردی عزت و عظمت و اقتدار ویژه قائل بودند و همواره به او به دیده احترام می‌نگریستند. حتی گفته می‌شود وقتی نامه آقای بروجردی به دست شیخ مجید سلیم، رئیس اسبق جامعه الازهر می‌رسید، نامه آقای بروجردی را می‌گرفت و می‌بوسید، و شیخ محمود شلتوت نیز که بعدها ریاست جامعه الازهر را برعهده گرفت، همین رفتار احترام‌آمیز را در برابر نامه‌های آیت‌الله بروجردی داشت (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۳۵، به نقل از لطف‌الله صافی گلپایگانی). به هرحال از این که درخت پیوند مذاهب و تقرب آنان این‌گونه به سوی رشد و شکوفایی پیش می‌رفت، آیت‌الله بروجردی بسیار خوشحال و امیدوار بود و هر از چندگاهی در جلسه درس به مناسبت‌های گوناگون به این موضوع اشاره و از روند پیشرفت کار، اظهار خشنودی می‌کرد و می‌گفت:

«امر تقرب در حال پیشرفت است و خدا را شکر که ما هم در آن سهمی داشتیم (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۳۲)».

### شیوه پیشنهادی تقرب

همیشه شیوه‌های پیشنهادی صحیح از آن‌جا سرچشمه می‌گیرد که آسیب‌ها درست شناسایی و گره کار به درستی تشخیص داده شوند. آیت‌الله بروجردی موارد اختلاف بین شیعه و سنی را در دو نکته اساسی می‌داند: یکی موضوع «خلافت» و جانشینی پیامبر ﷺ، و دیگری مسأله «حجیت گفتار اهل‌بیت». به اعتقاد آیت‌الله بروجردی، بحث در باره موضوع نخست، بحث تاریخی است و هر چه بوده گذشته و لزومی ندارد دوباره مطرح شود. افزون بر این، تجربه هم نشان داده که طرح این مسائل همیشه باعث اختلاف شدید و منشأ سوء استفاده‌های دشمن بوده است. گذشته از این‌ها اگر هم این مباحث سودی داشته باشد، برای هر کدام از شیعه و سنی فی‌نفسه محترم است و کسی از طرفین نمی‌تواند مانع اعتقاد دیگری شود؛ بنابراین، آنچه امروز خیلی مهم است و می‌تواند نقطه مشترک میان شیعه و سنی باشد، بعد از کتاب آسمانی قرآن، محوریت اهل‌بیت علیهم‌السلام و دلیل آن «حدیث ثقلین» است و از طرف فریقین با سلسله سند صحیح نقل شده و همه هم آن را قبول دارند. در کنگره‌ای که برای بزرگداشت آیت‌الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت در تهران برگزار شد، آقای هاشمی رفسنجانی تفکر تقریبی آیت‌الله بروجردی را این‌گونه مطرح کرد: «آیت‌الله بروجردی در درس می‌گفت: اختلاف ما با اهل سنت در دو جهت است: یکی مسأله خلافت و دیگری اقوال ائمه، و آنچه برای ما مهم است، مسأله حجیت است و خلافت یک مسأله تاریخی بود که امروز قابل تکرار نمی‌باشد. باید با اهل سنت در مورد حجیت اقوال ائمه بحث کرد که در زمان ما مؤثر است (صحیفه حوزه، ویژه‌نامه روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳۷۹/۳/۱۱، ص ۸)».

هدف از تقرب و وحدت در نظر آیت‌الله بروجردی هرگز این نبود که یک گروه در گروه دیگر هضم شود و همه آن‌ها یک گروه و یک فرقه بشوند؛ بلکه تأکید داشت با بیان نقاط مشترک همه گروه‌ها، دوستی، محبت و صمیمیت میان آن‌ها پدید آید و همه در برابر دشمنان اسلام تبدیل به «ید واحده» شوند. در نظر او نیل به این هدف مقدس از راه تمسک به حدیث ثقلین و معرفی امامان معصوم در جایگاه مصداق بارز اهل‌بیت، بهترین و آسان‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و معقول‌ترین راه است و می‌فرمود: «اگر ما شیعیان تنها به همین جهت که امروز مورد نیاز مسلمین است اکتفا کنیم و مطلب خود را به‌طور معقول برای اهل سنت بیان نماییم، به نتیجه می‌رسیم و می‌توانیم آنان را تا حدی قانع کنیم (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش، ص ۹۱)».

آیت‌الله بروجردی در مرحله عمل نیز به‌طور جدی این قضیه سرنوشت‌ساز را دنبال می‌کرد؛

چنان‌که دستور داد در یک اقدام اساسی، طرق و أسناد «حدیث ثقلین» جمع‌آوری شود و این کار تحقیقی را مرحوم آیت‌الله شیخ قوام‌الدین و شنوی انجام داد و از سوی دارالتقرب در مصر به چاپ رسید. آیت‌الله بروجردی می‌کوشید تا عالمان شیعه و سنی به روایات، مبانی و ادله فقهی یک‌دیگر آشنا شوند تا جایی که در اثر تلاش‌های مخلصانه آن فقیه خستگی‌ناپذیر، بسیاری از اعضا و شخصیت‌های سنی دارالتقرب با فقه و مبانی شیعه آشنا شدند و حتی در مواردی، مطابق فقه شیعه فتوا دادند. در همین جهت کتاب *المختصر النافع*، نوشته علامه حلی با هزینه و همت وزارت اوقاف مصر و با مقدمه وزیر اوقاف آقای شیخ احمد حسن الباقوری چاپ شد (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش، ص ۹۱). همچنین در سالی که ملک‌سعود پادشاه عربستان برای آیت‌الله بروجردی، یک جلد قرآن و پرده کعبه، هدیه فرستاد و از وی تقاضای ملاقات کرد، در جهت همین فعالیت‌ها و نتیجه همین نگرش تقریبی بود.

اگرچه آیت‌الله بروجردی این دیدار را به عللی نپذیرفت، در ادامه همان فعالیت‌های تقریبی از این فرصت بهره جست و طی نامه تشکرآمیز، حدیث مفصلی از امام صادق (ع) را که شامل نزدیک به چهارصد احکام مربوط به مناسک حج بود، برایش فرستاد (مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۸۳، به نقل از آیت‌الله سیدجعفر احمدی). هدف او در ارائه این حدیث که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های صحاح سته و غیر آن نیز آمده، آن بود که می‌خواست به پادشاه عربستان و شخصیت‌های علمی و مذهبی جهان اسلام بفهماند که می‌توان، مراسم بزرگ حج را طبق روایات و مبانی مشترک و مورد قبول شیعه و سنی به‌طور یکسان و هماهنگ برگزار کرد و از این تجلیگاه توحیدی، بیشترین بهترین بهره را به نفع جهان اسلام به دست آورد. این نامه در مجله «رساله الاسلام» نشریه وابسته به دارالتقرب و همچنین در بعضی روزنامه‌ها و مجلات کشور عربستان به چاپ رسید (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش، ص ۳۳۷).

### موضعگیری‌های سیاسی

بررسی رفتار و موضعگیری‌های سیاسی آیت‌الله بروجردی اگرچه از حوصله این مختصر خارج است، موارد اندکی از آن را می‌توان در این فرصت بر شمرد:

#### ۱. دربار شاه و مرجعیت

در عصر زعامت آیت‌الله بروجردی اگرچه زمینه برخوردهای تند انقلابی با رژیم ستم‌شاهی و بیگانگان وجود نداشت؛ چرا که مردم آمادگی و آگاهی لازم را برای تحمل پیامدهای انقلاب اسلامی نداشتند. باید اذعان داشت که در زمان مرجعیت وی، نیروهای بالقوه بسیاری برای انقلاب تربیت شدند و در طول نهضت، نقش سرنوشت‌سازی را ایفا کردند. به گفته برخی از صاحب‌نظران سیاسی،

بعد از ایجاد خفقان شدید از سوی رضاخان و ممنوع کردن لباس روحانیت و بستن مدرسه‌ها و حسینیه‌ها و مساجد، یکی از کارهای بسیار مهم و با ارزش شیعه که مرحوم آیت‌الله بروجردی سهم بزرگی در این کار دارد، تشکیل و توسعه حوزه علمیه قم و حوزه‌های دینی کشور بود. در ده سال بین ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ شمسی که روحانیان تا حدودی خاموش بودند، حوزه علمیه قم کاری شبیه کار امام صادق (علیه السلام) انجام داد. هزارها طلبه پرشور، متدین، با مطالعه و آشنا به مسائل روز تربیت و ذخیره انقلاب شدند و اگر این‌ها نبودند، محال بود در ایران بشود رژیم پهلوی را شکست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۳، ص ۳۷۹).

با همه این‌ها معظم‌له در جایی که احساس خطر می‌کرد، اهل اقدام بود و بی‌درنگ موضع می‌گرفت، چنان‌که وقتی شاه ایران می‌خواست خط فارسی را به لاتین تغییر دهد، وی با تمام وجود در برابر این حرکت ننگین ایستاد و گفت: تا من زنده‌ام اجازه نمی‌دهم این کار عملی شود به هر جا که می‌خواهد منتهی شود (گلشن ابرار، ج ۲ ص ۶۷۱).

روزی به اقبال نخست وزیر وقت، در مورد شاه گفت: «پدرش بی‌سواد بود؛ ولی یک مقدار شعور داشت؛ اما این یکی شعور هم ندارد و چیزی ملتفت نمی‌شود (واعظزاده خراسانی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش، ص ۹۷؛ گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۷۱)».

اطلاعات موجود نشان می‌دهند که آن پیر فرزانه، کنار کمک به انقلابیان مؤمن، سیاستی بسیار دقیق داشت. او چنان می‌اندیشید که مردم برای تحمل دشواری‌ها آمادگی ندارند و اگر با فشار نیروهای دولتی روبه‌رو شوند، مرجعیت را تنها می‌نهند؛ بنابراین، زمان را برای رویارویی مستقیم با دربار مناسب نمی‌دید. از سوی دیگر رها کردن شاه و راندن کامل وی را باعث فروغلتیدن فزون‌تر او در دامان بیگانگان می‌دانست؛ پس گاه با وی مدارا می‌کرد تا آن پادشاه مغرور جای پای خود را سست نیند و برای حفظ خویش به بیگانگان پناه نبرد (گلشن ابرار، ۱۳۸۲ ش، ج ۲، ص ۶۷۱).

### ب. مبارزه با فرقه سیاسی بهائیت

هنگام اقامت آیت‌الله بروجردی در وطن، آبادی این گروه گمراه، فعالیت‌های خود را در شهر بروجرد و حومه به ویژه با نفوذ در اداره‌های دولتی در سطح گسترده‌ای افزایش داده بودند. چون آیت‌الله از این موضوع آگاه شد، به جهت اعتراض از شهر خارج شد و به دنبال آن مردم شهر به هیجان آمدند و سرازیر تلگراف‌خانه شدند. در این هنگام دولت مرکزی احساس خطر جدی کرد؛ به همین دلیل به سرعت مقدمات بازگشت وی را فراهم آورد و دستور رسید محافل و مجالس علنی بهائیت تعطیل شود و افراد وابسته به آن از اداره‌های دولتی برکنار شوند؛ آن‌گاه آیت‌الله بروجردی میان استقبال پرشور و تاریخی مردم، به وطن خویش بازگشت (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۴۲).

وی همچنین در ایام مرجعیت مطلق خویش در قم نیز جبهه پیکار با بهائیت را در سطح کشور توسعه داد؛ به طوری که در سال ۱۳۳۵ شمسی به تخریب مرکز فعالیت آنان<sup>۱</sup> در تهران انجامید. همچنین در همین سال بود که وی به خطیب توانا میرزا محمدتقی فلسفی دستور داد تا در مسجد شاه تهران به منبر برود و افکار باطل بهائیت را به گوش مردم برساند. سلسله سخنرانی‌های مستدل و محکم مرحوم فلسفی از رادیو نیز پخش می‌شد (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۵۵، ۱۴۱ و ۱۹۰).

### ج. حمایت از اقدام حاج آقا حسین قمی

پس از فرار شاه در سال ۱۳۲۰ شمسی، آیت‌الله حاج آقا حسین قمی که در ماجرای قیام تاریخی مسجد گوهرشاد، به کربلا تبعید شده بود، به وطن بازگشت و موضعگیری‌های سختی در برابر قانون استعماری کشف حجاب کرد و خواستار آزادی فعالیت‌های مذهبی در دبستان و دبیرستان‌های کشور شد. در این هنگام، دولتمردان و شخص شاه در تأمین خواسته‌های او مسامحه می‌کردند تا این‌که آیت‌الله بروجردی که آن وقت در بروجرد اقامت داشت، برای پشتیبانی از حاج آقا حسین قمی، تلگرافی خطاب به نخست‌وزیر وقت مخابره کرد. متن تلگراف چنین است:

«مطالب پیشنهاد شده از سوی آیت‌الله قمی، مطالب ما هم هست. چنان‌که با پیشنهادات ایشان موافقت نشود، شخصاً به تهران حرکت می‌کنم و مسؤول عواقب آن، زعمای امور خواهند بود (مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۳۳۲، به نقل از سیدجواد علوی)».

انتشار این تلگراف میان مردم به ویژه سران عشایر لرستان، تحرکاتی را در جهت حمایت از آیت‌الله بروجردی پدید آورد؛ به طوری که دولت احساس خطر کرد و مجبور شد به خواسته‌های وی تن در دهد. آیت‌الله بروجردی همچنین در حمایت از نهضت ملی‌شدن نفت، جلوگیری از اصلاحات ارضی شاه و ستیز با مظاهر آتش‌پرستی در ایران فعالیت و دخالت کامل داشت.

### آثار و تألیفات

وی کنار تدریس و تربیت شاگرد، تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای داشت که توانست آن‌ها را به قلم بیاورد. در مجموع آثار معظم‌له را می‌توان به چهار دسته حدیثی، رجالی، فقهی و اصولی تقسیم کرد که به جهت اختصار، فهرست برخی از آثار چاپ شده به ترتیب حروف الفبا از نظر می‌گذرد:

۱. الاحادیث المقلوبه و جواباتها: عده من الاحادیث المقلوبه وجه السؤال عنها الی المراجع الکبار، حسین بن علی الطباطبایی البروجردی، با مقدمه و ترجمه محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق / ۱۳۷۴ ش، ۶۷ ص.

۱. نام این مرکز «خطیره القدس» بوده است.

۲. البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر، تقریر بحث‌های حسین طباطبایی بروجردی، به قلم آیت‌الله العظمی منتظری، ویرایش ۲، قم، کتابخانه آیت‌الله منتظری، ۱۴۱۶ق / ۱۳۷۵ش، ۳۹۹ص.
۳. البیان الوافی فی التعریف بکتاب ترتیب اسانید الکافی للامام البروجردی، محمود دریاب النجفی، قم، مؤسسه آیت‌الله العظمی بروجردی، ۱۴۲۲ق / ۱۳۸۰ش.
۴. ترتیب اسانید کتاب التهذیب للشیخ الطوسی، تألیف حسین طباطبایی بروجردی، فهرس کتاب التهذیب مرتباً علی الحروف و فهرس کتاب الاستبصار مرتباً علی الحروف، رتبه‌ها حسن النوری الهمدانی، مشهد، آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۴ق / ۱۳۷۲ش، ۵۴۴ص. گفتنی است که مجموعه کتاب‌های ترتیب الاسانید یا تجرید الاسانید و یا طبقات الرجال، یکی از ابتکارات آیت‌الله بروجردی در علم رجال به شمار می‌آید. در این مجموعه سندهای احادیث کتاب‌های حدیثی و رجالی مانند کافی، استبصار، تهذیب، امالی، خصال و رجال نجاشی و طوسی، از متون اصلی جدا شده و مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته‌اند.
۵. تقریر بحث سیدنا الاستاد المرجع الدینی الاکبر الآیه العظمی الحاج السیدحسین الطباطبایی البروجردی فی القبلة و الستر و السائر و مکان المصلی، تقریر علی پناه الاشتهاردی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق / ۱۳۷۴ش، ۲مجلد.
۶. تقریرات ثلاثه: الوصیه و منجزات المریض - میراث الازواج النصب، حسین البروجردی الطباطبایی، تقریر علی پناه الاشتهاردی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق / ۱۳۷۲ش، ۲۳۱ص.
۷. تقریرات فی اصول الفقه، آیت‌الله العظمی حسین البروجردی، قررها علی پناه الاشتهاردی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق / ۱۳۷۵ش، ۳۰۶ص.
۸. جامع احادیث الشیعه، حسین الطباطبایی البروجردی، قم، مدینه العلم، ۱۳۸۱ش، ۳۰مجلد. این مجموعه گرانسنگ حدیثی در جهت تکمیل کتاب وسائل الشیعه و رفع نواقص آن از قبیل تقطیع احادیث، تکرار اسناد، تکثیر ابواب، زیادی حجم، به ابتکار آیت‌الله بروجردی نوشته شده و فواید بسیار ارزشمندی از نظر سهولت دستیابی به احادیث و استنباط از آن دارا است. تاکنون سی جلد از آن چاپ شده است.
۹. حاشیه العروة الوثقی، تألیف محمدکاظم یزدی، با حواشی آیت‌الله بروجردی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۳ق / ۱۳۳۲ش، ۷۴۶ص.
۱۰. الحاشیه علی کفایة الاصول فی الاصول، طرح مبانی حسین الطباطبایی البروجردی، تألیف بهاء الدین الحجتی البروجردی، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ش، مجلدات متعدد.
۱۱. حاشیه علی وسائل الشیعه.

۱۲. الحجة فی الفقه، تقریرات و تحصیلات من دراسات حسین الطباطبایی البروجردی، تألیف مهدی حائری یزدی، مؤسسه الرساله: حسینیه عمادزاده، ۱۴۱۹ق/۱۳۷۷ش، ۷مجلد.
۱۳. خاندان آیت‌الله بروجردی، نوشته آیت‌الله بروجردی، مقدمه و ترجمه و پاورقی‌ها از علی دوانی، قم، انصاریان، ۱۳۷۱ش، ۱۵۲ص.
۱۴. رساله توضیح المسائل که متن آن مطابق است با فتاوی حسین طباطبایی بروجردی، با حواشی آیات عظام، مراجع بزرگ و زعمای عالیقدر شیعه، گردآورنده غلامحسین رحیمی اصفهانی، تهران، جاویدان و فراهانی، ۱۳۴۸ش، ۵۹۲ص.
۱۵. رساله شریفه مناسک حج، مطابق با فتاوی حسین طباطبایی بروجردی، به سعی و اهتمام محمود کتابچی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۷ق/۱۳۲۶ش، ۱۴۰ص.
۱۶. لمحات الاصول: إفادات الفقیه الحجه آیت‌الله العظمی البروجردی، بقلم الامام الخمینی، تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش، ۵۲۱ص.
۱۷. المجدی: بحوث فی الوصیه و منجزات المریض و إقرار المریض، لمقرره علی الصافی الکلپایگانی، قم، گنج عرفان، ۱۴۲۱ق/۱۳۸۱ش، ۲۱۵ص.
۱۸. المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعة الرجالية: الاحادیث المقلوبه و جواباتها، حسین الطباطبایی البروجردی، به اهتمام محمدرضا الحسینی الجلالی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۰ق / ۱۳۷۸ش، ۳۸۴ص.
۱۹. نهاییه الاصول، تقریر اباحت حسین الطباطبایی البروجردی، به قلم حسینعلی المنتظری، تهران، نشر تفکر، ۱۴۱۵ق / ۱۳۷۳ش، مجلدات متعدد.
۲۰. نهاییه التقریر فی مباحث الصلاة، تقریراً لما أفاده حسین الطباطبایی البروجردی، تألیف فاضل اللنکرانی، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار (ع)، ۱۴۲۰ق / ۱۳۷۸ش، چند مجلد.

## وفات و غروب زندگی

اندک اندک شوال ۱۳۸۰ قمری فرا رسید و بیماری بر پیکر آن مرجع هشتاد و هشت ساله جهان اسلام پنجه افکند. بیماری دشواری که با دیگر رنجوری‌های آن مرد بزرگ تفاوت داشت. در چنین روزهایی گروهی از ارادتمندان به عیادتش شتافتند. استاد که بسیار اندوهگین می‌نمود، سر بلند کرد و گفت: خلاصه عمر ما گذشت و ما رقتیم و نتوانستیم چیزی برای خود از پیش بفرستیم و عمل با ارزشی انجام دهیم. یکی از حاضران گفت: آقا، شما دیگر چرا؟! بحمدالله این همه آثار نیک از خود برجای نهاده‌اید؛ شاگردان پرهیزگار تربیت کرده‌اید؛ کتاب‌های با ارزش تحریر کرده‌اید؛ مسجدها و



کتابخانه‌ها ساخته‌اید. این ما هستیم که باید چنین سخنی بر زبان جاری کنیم. فقیه پارسای شیعه فرمود: «خلص العمل فإن الناقد بصير؛ باید کردارت را خالصانه برای خدا انجام دهی؛ زیرا او به همه چیز بینا است و از انگیزه‌های بشر آگاه است (گلشن ابرار، ۱۳۸۲ ش، ج ۲ ص ۶۷۲)».

این سخن، حاضران را بسیار تحت تأثیر قرار داد. چند روز پس از این گفت‌وگو پیکر استاد رنجورتر شد و سرانجام فقیه بزرگ عصر پس از هشتاد و هشت سال عمر با برکت در صبح روز پنج‌شنبه ۱۲ شوال ۱۳۸۰ قمری برابر با ۱۰/۱/۱۳۴۰ شمسی زندگی را وداع کرد و برای همیشه چشم از جهان فرو بست. پیکر فقیه سترگ میان اندوه ده‌ها هزار نفر و با تشییع و تجلیلی که تا آن‌روز کمتر سابقه داشت، در بالا سر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام جنب در ورودی مسجد اعظم که خود آن را بنیان نهاده بود، به خاک سپرده شد. به همین مناسبت تمام شهرهای ایران به صورت عزا و تعطیل درآمد. پرچم‌های سیاه بر بالای کوچه، خیابان و بازارها نصب شد. مجالس ترحیم و مراسم عزاداری باشکوهی در اغلب کشورهای اسلامی به ویژه در کربلا و نجف برگزار شد و این مراسم در ایران تا چهل‌م ادامه یافت. سفیران و نمایندگان کشورهای اسلامی در این مصیبت، ابراز هم‌دردی کردند و حتی پرچم‌های سفارتخانه‌ها و کنسول‌گری‌های کشورهای شوروی، امریکا و انگلیس به نشانه عزا نیمه‌افراشته شد. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مجتبی عراقی که مسؤولیت تدفین و تلقین آن مرحوم را بر عهده داشت، می‌گوید:

«خداوند مرا مفتخر به عنایتی کرد که آن بزرگوار را در لحد بگذارم. این کار بنا به وصیتی بود که آن مرحوم کرده بود. از این جریان حالت عجیبی به من دست داد و وقتی وارد قبر شدم تمام مستحبات دفن که سابقه ذهنی نسبت به آن نداشتم، به یادم آمد (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۷۹)».

شرح زندگی آن بزرگ‌مرد تاریخ معاصر شیعه، هیچ‌گاه نمی‌تواند با این نوشته‌های اندک و قلم‌های نارسا آدا شود. آنچه در این نوشته آمد، بهانه‌ای از یاد و خاطره آن مرجع دینی و فقیه الاهی بود که انشاءالله درسی برای ما و همه دوستداران پاکی و صداقت بوده باشد. روحش شاد و یادش گرامی باد. والسلام.

## منابع و مأخذ

۱. آیت‌الله بروجردی، خاندان آیت‌الله بروجردی، مقدمه و ترجمه از علی دوانی، قم، انصاریان، ۱۳۷۱ ش.
۲. اباذری، عبدالرحیم، آیت‌الله بروجردی آیت اخلاص، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.

۳. احمدی، مجتبی و دیگران، چشم و چراغ مرجعیت، مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی مرکز انتشارات، ۱۳۷۹ ش.
۴. دوانی، علی، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت‌الله بروجردی، ویرایش ۲، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۲ ش.
۵. شکوه فقاقت: یادنامه مرحوم آیت‌الله حاج‌آقا حسین بروجردی، تهیه و نشر مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ش.
۶. صحیفه حوزه، ویژه‌نامه روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۳۷۹/۱۱/۳.
۷. عبیری، عباس، آیت‌الله بروجردی زعیم بزرگ، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۸. علی‌آبادی، محمد، الگوی زعامت: سرگذشتهای ویژه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی علیه السلام از زبان علما و مراجع همراه با تقریظ آیت‌الله عبدالصاحب مرتضوی لنگرودی، قم، انتشارات لاهیجی، ۱۳۷۹ ش (چاپ قبلی از انتشارات عصمت، ۱۳۷۸).
۹. گلشن‌ابرار: خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل، تهیه و تدوین جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم، قم، نشر معروف، ۱۳۸۲ ش (دوره سه جلدی).
۱۰. مجله حوزه، شماره‌های مختلف که در متن آمده است.
۱۱. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی: الهامی از شیخ الطائفه، مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی، تهران و قم، صدرا، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، شش مقاله: ختم نبوت، پیامبر امی، ولاءها و ولایتها، ویرایش ۲، قم، صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. واعظزاده خراسانی، محمد، زندگی آیت‌الله العظمی بروجردی و مکتب فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی وی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش.
۱۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر، خطبه‌های جمعه، زیر نظر محسن هاشمی رفسنجانی، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

